ب) صحت ای بطلان اعتکاف در فرض خروج سهوی از مسجد

مراجعه به کلمات فقهای بزرگ خیلی پر فایده است. در همین جلد مستمسک، به صفحه پانصد و پنجاه و سه بروید. در آن جا مطلب قشنگی دارند. به بحث ما مربوط میشود. اما عجیب است. کسی معتکف در مسجد است. یکی از اموری که قوام اعتکاف به آن است لبث در مسجد است. چون باید در مسجد بماند. ماهیت اعتکاف، ماندن در مسجد است. خب اگر عمداً خارج شد، باطل است. عمداً ماهیت اعتکاف را نقص کرده. اما اگر سهوا رفت چه؟

سید میفرماید:**«وأما لو خرج ناسيًا أو مكرهًا فلا يبطل»**؛ اگر سهوا بیرون رفت مشکلی ندارد؛ فوری بر میگردد. طول نکشیده تا صورت اعتکاف محو شود. سهو بود و سریع بر میگردد. اما ایشان میفرمایند:

> **أما الأول فلا خلاف فيه ـ كما في الجواهر ـ مستدلا له بالأصل وحديث رفع التسعة ، وانصراف ما دل على الشرطية إلى غيره ، ولو لاشتماله على النهي المتوجه إلى غيره.**
>
> **وفيه : أن الأصل لا مجال له مع إطلاق الأدلة. وحديث الرفع قد عرفت أنه لا يصلح لإثبات صحة الناقص بعد ما كان التكليف ارتباطيا ، وأن الحديث نافي لا مثبت. والانصراف الذي ادعاه ممنوع. وعدم صحة توجيه الخطاب إليه لا يمنع عن ثبوته في الجملة الكافي في تحقق البطلان. ولا فرق في ذلك بين ناسي الحكم ، وناسي الاعتكاف ، وناسي كون حد المسجد ما تجاوز عنه.[1]**

«أما الأول فلا خلاف فيه»؛ یعنی اگر سهوا خارج شد، محل خلاف نیست. **«مستدلا له بالأصل وحديث رفع التسعة ...»**.

«وفيه»؛ آقای حکیم میفرمایند اینها دلیل نیست؛ چرا اگر سهوا خارج شود باطل نیست؟! به همین مطلبی که الآن گفتیم میآیند.

«و حديث الرفع قد عرفت أنه لا يصلح لإثبات صحة الناقص»؛ در ناقص، ماهیت نقص شده است. ماهیت اعتکاف، لبث است. حتی اگر سهوا بیرون برود، ماهیت میرود. نمیتوان گفت چون ساهی است، بخاطر اینکه عمداً نبوده ماهیت باقی باشد.

«بعد ما كان التكليف ارتباطيًا»؛ یعنی باید سه روز بصورت مستمر، لبث فی المسجد داشته باشد، بعنوان ماهیت اعتکاف. لذا خدشه میکنند و میگویند خروج سهوی هم محل اشکال

است. چون سهو بوده گناه نکرده اما اعتکاف از بین میرود. خب چرا در صوم وقتی سهوا میخورد میگویید صوم صادق است؟ میگویند دلیل خاص داریم. و الّا اگر در آن جا هم دلیل خاص نداشتیم این را میگفتیم. کما اینکه مرحوم شیخ در مقدمه کتاب الصوم این را بررسی کردند.

شاگرد: وقتی معیار حقیقت صوم است، در هر دو فرض حقیقت صوم از بین میرود. صرف دلیل خاص داشتن که حقیقت را درست نمیکند.

استاد: بله، همین مطلب را مرحوم شیخ در اینجا، به این صورت مطرح فرمودهاند: وقتی شما میگویید امساک است، ناسی که تعمد اکل دارد، فقط نسیان از صوم دارد. ناسی عمداً میخورد و در اکل ناسی نبود، بلکه از صوم غافل بود. مرحوم شیخ در صفحه هفدهم میگویند:

> **فلا يبعد- حينئذ- أن يقال: إنّ فعل المفطرات ناسيا قادح في حقيقة الصوم و إنّ الآكل ناسيا للصوم ليس بصائم حقيقة في زمان أكله، و لذا أفتى المصنّف (قدّس سرّه) في أجوبة المسائل المهنّائية: ببطلان الصوم المندوب، و قضاء الواجب إذا كان موسّعا بفعل المفطر ناسيا، مستدلّا بعدم تحقّق الإمساك**[2]

«فلا يبعد- حينئذ- أن يقال: إنّ فعل المفطرات ناسيا قادح في حقيقة الصوم»؛ یعنی حقیقت صوم بر نمیتابد، ولو شما ناسیا بخوردی.

«و إنّ الآكل ناسيا للصوم ليس بصائم حقيقة في زمان أكله»؛ چون دارد او میخورد. چه روزه ای هستی که میخوری؟!

«و لذا أفتى المصنّف (قدّس سرّه) في أجوبة المسائل المهنّائية: ببطلان الصوم المندوب، و قضاء الواجب إذا كان موسّعا بفعل المفطر ناسيا»؛ فرمودند اگر روزه مستحبی هم هستی، اگر سهوا خوردی دیگر تمام است. اما واجب حساب دیگری دارد. مرحوم شیخ اینها را دارند. میخواهم بگویم اینکه میگویید پس باید در سهو هم جلو برود، تا اینجا میرسد. اما اینکه جلو میرود یا نمیرود، بحث میکنند. رفتوبرگشت دارند. مطالب خوبی دارند.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۸ صفحه : ۵۵۳

[2] كتاب الصوم، الأول نویسنده : الشيخ مرتضى الأنصاري جلد : ۱ صفحه : ۱۷

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 14:00:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 14:03:09 توسط ... .